

جنگ و موضع گیری های امیدبخش

بعد از عملیات رمضان به دنبال وقفای دوماهه عملیات تازه تحت عنوان "عملیات مسلم بن عقیل" در جبهه های غرب کشور صورت گرفت. و همزمان با این عملیات در جبهه سیاسی نیز تعرض تازه ای از جانب جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که هدف آن رفع اتهام در مواضع جمهوری اسلامی ایران در امر شرایط جنگ و صلح، خنثی کردن تبلیغات رسانه های امپریالیستی و بر ملا سازی صلح طلبی های دروغین رژیم صدام بود.

امسام خمینسی رهبر انقلاب این بار نیز قبل از همه - بار دیگر مواضع اصولی ایران را در امر جنگ و صلح خاطر نشان ساختند.

امام در سخنان خود خطاب به دانشجویان دانشکده افسری گفتند:

"ما صلح را قبول داریم ما صلح را استقبال می کنیم ، لاکن یک صلح شرافتمندانه اسلامی ، صلحی که باید بفهمند متجاوز چه کرده است صلحی که باید خسارات کشور جبران شود ."

حجت الاسلام رفسنجانی نیز همین مواضع را در آخرین خطبه خود در نماز جمعه اعلام کرد و گفت:

"اگر حقوق ما داده شود ما با کسی بحثی نداریم . . . ما صلح می خواهیم . . . خواسته های ما را بدهید ما جنگ نمی کنیم"

آنچه در این خطبه برجسته است عناصر این شناخت درست است که کشتنیدن نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به داخل خاک عراق با نیت "صدور انقلاب" به عراق نمی تواند به نتایج مورد نظر منجر گردد در این رابطه حجت الاسلام رفسنجانی می گویند:

"ما به انقلابان اعتماد داریم و فکر داریم و فکر ما در حالت صلح زودتر از حالت جنگ به مردم منتقل می شود"

اطلاعیه رسمی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به مناسبت اجلاس شورای امنیت برای رسیدگی به جنگ عراق با ایران و همچنین اظهارات نماینده ایران در سازمان ملل نیز قابل توجه است . اطلاعیه وزارت خارجه ضمن ارج نهادن به کوشش های اصیل و حق طلبانه بین المللی در جهت تامین صلح پادآور می شود:

"تا زمانی که متجاوز همچنان در خاک ایران بوده و خسارات جنگ تحمیلی توسط رژیم تجاوزگر صدام تامین نشده باشد ، خاتمه جنگ در عین حال که صلح و آرامش را به منطقه باز نمی گرداند ، به منزله پاداش برای متجاوز خواهد بود"

این اظهارات و موضع گیری ها کلا حاوی عناصر امیدبخش و مثبتی در ساله جنگ و صلح است .

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره بر اس موضع اصولی تاکید داشته است که بزرگترین پیروزی برای ما و بزرگترین شکست رژیم صدام و امپریالیسم امریکان است که ایران موفق شود ضمن تامین خواسته های عادلانه خود که مهمترین آن خروج کامل نیروهای تجاوزگر از ایران است . به حالت جنگ صان دو کشور پایان دهد و صلحی عادلانه را میان دو کشور برقرار سازد . ما همواره تاکید داشته ایم که سرنگونی رژیم صدمردمی صدام ، رژیم

که در حق مردم دو کشور این همه حمایت کرده است ، فقط و فقط
با حیزش جنبش انقلابی مردم عراق مسم خواهد شد . لذا یگانه
راه برای آنکه همه مشتاقان " کنده شدن سر صدام " از سر
خلقهای ایران و عراق شاهد تحقق این آرزوی دیرین خود گردند
آن است که با تمام نیرو و به تمامی اشکال جنبش مردمی و انقلابی
مردم عراق با بلند نظری و هشیاری ، مورد حمایتی همه جانبه قرار
گیرد . ما قبلاً نیز تأکید کرده ایم که در آمیزی مسأله خاتمه جنگ
توطئه امپریالیسم که هدف آن کشتن ایران به یک جنگ
فرسایشی طولانی است ، هموار می کند .

تمام بوق و کرنا های امپریالیستی - صهیونیستی - صدامی امروز
به صدام درآمده اند که صدام صلح طلب و ایران جنگ طلب است .
یگانه راه شمر بخش مقابله با این تبلیغات آن است که همصافان
و رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران سیاست و شعارهای واحد
و بدون تناقضی را که محورهای اساسی آن در موضع گیری های
نقل شده مندرج است در پیش گیرند و با قاطعیت روی آن تکیه کنند .
رفقای ما که همواره در طول بیش از دو سال جنگ تحمیلی
با ایثار و فداکاری هایی که فدائیان بدان شهرتاند ، چه در
جبهه ها و چه در پشت جبهه ها به وظایف مهمی و انقلابی خود
تماماً عمل کرده و عمل خواهند کرد خیل شهدا و صف معلولین
اعضا و هواداران سازمان سند زنده و گویای این جاننازی ها است
رفقای ما در آینده نیز همچنان با دفاع بیگیرانه از انقلاب و
جمهوری اسلامی ایران ، در رزم مشترکی که توده های خلق
برای درهم شکستن کامل توطئه تجاوز امریکایی - صدام و تأمین
صلحی عادلانه میان دو کشور پی ریزند ، شرکت خواهند داشت
سم پاشی های سنگینی که علیه حزب توده ایران و سازمان ما و
برای مخدوش کردن مواضع آنان جریان دارد ، هرگز قادر نخواهد
بود که ما این مواضع اصیل را ترک گوئیم .

تلاش‌های مذبوحانه نهضت‌آزادی

روبارویی ناگزیر خط امام با جبهه مدافعان سرمایه‌داری در این هفته اوج تازه‌ای یافت. واکنش قاطع‌تر نیروهای خط امام در برابر تشدید فعالیت‌های مدافعان سرمایه‌داری و نیروهای جبهه سازش با امپریالیسم که انتشار نامه سرگشاده لیب‌رالی‌های نهضت‌آزادی نمونه کسوف‌چکی از آن است، در آخرین تحلیل‌سلسل انعکاسی از حسدت ناگزیر سرمایه‌داری پهلوی و پشیمانان اصیل خط ضد امپریالیستی و مردمی امام با جبهه متحد ضد انقلاب سرکردگی امپریالیسم امریکاست که هر روز خطت طبقاتی آشکارتری می‌یابد.

لیبرالی‌های نهضت‌آزادی که انقلاب، آنها را رسوا و منزوی و در لاکشان فرو برده بود، در خیال خوش بازگشت روزهای "دولت موقت" با پای جوبین برای افتادماند و می‌کوشند از "مشکلات و مصائبی" که خود با همکاری و مشارکت گلان سرمایه‌داران و بزرگ‌سالگان و روحانیت مخالف امام سرکردگی امپریالیسم امریکا ایجاد کرده‌اند بهره‌برداری کنند. مشکلات را به‌گردن نیروهای انقلابی پشیمان و پیرو خط امام به‌اندازند. مردم را بفریبند، و کشور را به راه خود یعنی برای سرمایه‌داری، راه وابستگی به امپریالیسم بکشانند.

نهضت‌آزادی که همه طرف‌دهایش برای نجات نظام شاهنشاهی و سپس مسخ انقلاب با شکست‌های مفتضحانه روپرو شد یک بار دیگر می‌خواهد به مردم بقبولاند که "مشکلات و مصائب روزانه" آنها همه محصول انقلاب است. این شیوه همه دشمنان مردم و انقلاب است که مردمی را که انقلاب کرده‌اند تحقیر می‌کنند و آنها را در به فرجام رساندن آماج‌های انقلابشان ناتوان و شکست‌خورده معرفی نمایند. لیب‌رالی‌های نهضت‌آزادی اکنون به مردم می‌گویند که ساختن جامعه خالی از مستکبر و "مستضعف" فریبی است که خط امام بر شالوده آن فقط "خون و خرابی" برایشان به‌ار آورده است این حرف را می‌زنند تا مردم را از انقلاب نومید کنند، تا مردم را از اطراف خط امام برانکنده سازند تا خط ضد امپریالیستی و مردمی

امام را که خط انقلاب است در برابر مردم ، در برابر منافع ، آماجها و آرزوهای آنها تصویر کند و آن را از "شروعیت ، ارزش و اعتبار" بیاندازند ، آنها به ناحق می خواهند با انقلاب کاری کنند که انقلاب بحق درباره لیبرالهای نهضت آزادی کرده است .

نامه لیبرالهای نهضت آزادی سخن تازه ای ندارد خط آنها افشاء شده است مردم " دولت موقت " را به تلخی تجربه کرده اند و می دانند که لیبرالهای نهضت آزادی بقول محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران در شمار همان طیفی هستند " که اعتقاد دارد که آمریکا بهتر از شوروی است و ما نمی توانیم یک کشور مستقل باشیم باید برویم به سمت آمریکا " مردم می دانند که اینها فقط به یک کار می آیند اینکه از چپاولگری سرمایه دارانی پاسداری کنند که در طول یک سال انقلاب به اندازه ۲۰ سال طاقت می چابند .

با این همه انتشار نامه لیبرالهای نهضت آزادی واقعه سیاسی درخور توجهی نیست . زیرا یکبار دیگر این حقیقت را اثبات می کند که از تاخیر در انجام اقدامات بنیادین بسود محرومان تاجه پایه تنها دشمنان انقلاب و مخالفان خط ضدامپریالیستی و مردمی امسام خمینی فرصت می یابند نیروهای خود را حفظ کنند و شمیر خود را برای بزاندور آوردن انقلاب صیقل دهند .

لیبرالهای نهضت آزادی از رهگذر همین تاخیرها و تعللهاست که حان می گیرند وقتی که پس از گذشت ۳/۵ سال از انقلاب هنوز تکلیف بزرگ مالکی روشن نیست و میلیونها دهقان بی زمین و کم زمین در انتظار اجرای بند (ج) و (د) (پروغ بزرگ مالکی رنج می برند ، وقتی که مردم می بینند به برکت مذهب فرعی شورای نگهبان ، آشکار و عیان سرمایه داران چپاولگر در طول یک سال انقلاب به اندازه ۲۰ سال می چابند البته کم نهضت آزادی زبان گشادهای می یابد تا به مردم حقیقت کند که انقلاب چیزی جز خون و خرابی برایشان بار نیاورده است .

واقفیت این است که مردم از تاخیرهای ناموجه در اجرای اصول

مردمی ، اصولی از قانون اساسی که ناظر بر تامین عدالت اجتماعی است ناراضی هستند و از مسئولان خط امامی بحق توقع دارند که بر تزلزلها ، تردیدها ، و تعللها فائق آیند ، مقاومت منودانه جریان راستگرای مخالف را خنثی کنند ، از حرف و وعده بگذرند و پای در میدان عمل گذارند .

مردم از قانون شکنی ، بی اعتباری های آزادی های مصرحه در قانون اساسی از سیاست بی اعتباری به حقوق خود که قانون اساسی احترام و اجرای آنها را مورد تاکید قرار داده است ناراضی هستند مردم ناراضی هستند وقتی می بینند دانشگاهها بدون هیچگونه ارتباطی با منافع آنها همچنان بسته می مانند ا مردم ناراضی هستند که می بینند مسئولان طراز اول خط امام علیه جریانی در حاکمیت جمهوری اسلامی که می کوشد در تمام مرصه های سیاست داخلی و خارجی تظاهر به اسلام را ملاک دوستی و دشمنی با انقلاب قرار دهد ، همواره سیاست قاطعی در پیش نمی گیرند در حالیکه جریان مذکور بر این شالوده ، در تقابل با قانون اساسی هرگونه اقدام و اصلاح بنیادین و حتی اندیشه آن را آشکارا منکوب می کند و دشمن از در راننده را از پنجره فرامی خواند . مردم درک می کنند که صف بندی کاذب درباره انقلاب و ضدانقلاب تا چه پایه جلوی پیشبرد همه جانبه انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی را مسدود کرده است و بحق از آن ناراضی هستند .

نکته در اینجا است ، اینها ناراضی مردم است ، اما هیچیک از اینها ناراضی از موضع ضدانقلابی نیست ، مردم و همه پشتیبانان و پیروان راستین خط امام از این جهت ناراضی هستند که چرا انقلاب با گام های بلند به پیش نمی رود ، مردم از کندی گردش چرخ های انقلاب ناراضی اند .

لیبرالهای نهضت آزادی از این ناراضی هستند که چرا انقلاب تا به اینجا راه پیموده است ، آنها از قدرت و عزم توده مردم که می خواهند انقلاب به پیش رود ناراضی هستند . این ناراضی از موضع ضدانقلابی است .

تلاش نهضت آزادی این است که ناراضی بحق مردم را در جهت هدف های آمریکا پسند خود هدایت کند و در جهت هدف های هدایت کند که مفایر سمت گیری استقلال طلبانه ، آزادمنشانه و عدالت جوینانه انقلاب و خط امام و قانون اساسی است . اگر خط

امام توانایی خود را در عمل برای تحقق این سنت‌گیری‌ها به ثبوت نرساند ، و هرچه سریعتر به ثبوت نرساند ، بهم آن هست که مردم بار دیگر آنچنانکه تجربه همه انقلاب‌های ملی دمکراتیک موبد آن است ، مایوس شوند اعتماد خود را به پیروان اصیل خط امام از دست بدهند و موربانه‌های انقلاب و ظالمهای امریکا موفق شوند انقلاب را بشکنند و امریکا را بازگردانند . انتشار نامه لیب‌الهای نهضت‌آزادی ، از این زاویه هشداردهنده است خوشبختانه روشنگری‌هایی که در هفته گذشته پیرامون نامه سرگشاده لیب‌الهای نهضت‌آزادی در مجلس در نمازهای جمعه و در مطبوعات ، از سوی مسئولان و دست‌درکاران خط امامی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت حاکی از توجه جدی‌تر و رشد آگاهی در مقابله جدی با این خطرات است که می‌تواند

پی‌آمدهای شریخش و امیدوارکننده‌های بهار آورد ، که اگر چنین شود بدون تردید در این هنگامه سبیز خط‌ها ، می‌توان امیدوار بود که در راستای پیروزی خط امام هر جنبه مدافعان سرمایه‌داری عناصر رشدیابنده تازه‌ای ظهور کند که نقش آینده‌سازی در تعمیق انقلاب برجای گذارد . نباید از یاد برد که جنبه مدافعان سرمایه‌داری به لیب‌الهایی که در نهضت‌آزادی گرد آمده‌اند محدود نمی‌شود ، این جنبه تا درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران استداد دارد .

جسریان راستگرایی مخالف که با تمام توان در برابر انجام اقدامات بنیادین بسود محرومان ایستاده است نیز از پیشروی انقلاب هراسناک است . این جریان نیز برای بازداشتن انقلاب از پیشروی می‌کوشد قانون اساسی را که تبلور خط امام و خونبهای شهدای ماست از " مشروعیت ، ارزش و اعتبار " بیاندازد .

تردید در انجام اقدامات بنیادین و تعویق آن به هر عنوان و بهانه‌ای که باشد تمکین به لیب‌الهاست ، در محاق انداختن قوانینی که ناظر بر انجام اقدامات بنیادین بسود محرومان است جلوگیری از احرای اصول مردمی قانون اساسی که متوجه ناهودی بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری و تأمین عدالت اجتماعی است سهولت و راه پوششی که باشد در هر حال پیروی از سیاست لیب‌الهاست . واکنش جدی پیروان اصیل خط امام در برابر تعرض لیب‌الهای نهضت‌آزادی به مواضع خط امام به اهداف و آینده انقلاب ایران این امید را نیز می‌تواند برانگیزد که تدابیر عملی جدی‌تری برای درهم شکستن مقاومت جریان راستگرایی مخالف که خواهان عقب‌نشینی خط امام از سنگر قانون اساسی در جهت نزدیکی به مواضع لیب‌الهاست ، اتخاذ شود .

مجلس با آغازی مثبت

در هفته گذشته مجلس شورای اسلامی تعطیلات تابستانی خود را به پایان آورد و اولین جلسه علنی آن در روز یکشنبه ۱۱ مهرماه برگزار شد. مجلس در نخستین هفته آغاز کار خود از جمله لایحه ضدشورایی توکلی وزیر کار را با اکثریت آراء رد کرد، همچنین با اکثریت قاطعی کلیات لایحه تعیین و تکلیف اموال فراریان از کشور را به تصویب رساند.

آغاز مثبت کار مجلس، این مهم‌ترین نهاد جمهوری اسلامی ایران با امداداری، از سوی مردم استقبال گردید. بدون تردید مجلس در این مرحله از پیشرفت انقلاب، با تصویب و یا رد لوایح بنیادین نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین سرنوشت انقلاب و آینده تحولات کشور برعهده دارد.

ساحتی که به هنگام بررسی لوایح در هفته گذشته در مجلس درگرفت، بار دیگر نشان می‌دهد که مجلس یکی از گانونهای حاد نبرد خط‌ها در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

به هنگام بحث پیرامون کلیات لایحه تعیین تکلیف اموال فراریان خارج از کشور علی‌رغم توضیح معاون وزیر دادگستری درباره ماهیت ضدانقلابی افرادی که مشمول این لایحه می‌شوند بودند نمایندگان که زیرلوای دفسبیاع از حرمت مقدس مالکیت به کلیات این لایحه رای منفی دادند.

معاون وزیر دادگستری به هنگام بررسی این لایحه در مجلس گفت:

"کسانی که مشمول این لایحه می‌شوند در قتل‌عام مردم و تعرض به اموال عمومی شرکت داشتند و هم‌اکنون هم ضدانقلاب هستند. و... به صورت فراری در خارج هستند و هیچگونه فعالیتی جز توطئه علیه جمهوری اسلامی ندارند."

با اینهمه یکی از مخالفین در دفاع از "صحت و مشروع بودن مالکیت" گفت: تصویب این لایحه جوی ایجاد می‌کند که آنهایی که "دل‌پسته بودید که به کشور بیایند، نتوانند بیایند" در جلسه علنی مجلس کار بجایی رسید که یکی دیگر از نمایندگان مخالف اظهار داشت:

"در شرایط کنونی این کار به صلاح نیست و مشکلات بسیار زیادی را ایجاد می‌کند و از نظر سیاسی این لایحه زیاد به صلاح ما نیست"

هرچند لایحه با اکثریت قاطعی به تصویب رسید و گامی در اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی برداشته شد. اما دفاع از شناخته‌ترین دشمنان مردم و انقلاب، دفاع از کسانی که دست‌هایشان تا آرنج به خون بهترین فرزندان این مردم آلوده است، در مجلس شورای اسلامی آنهم در پوشش دفاع از "صحت و مشروع بودن مالکیت" برآستی ده هشداردهنده است.

توقع مردم، همه پشیمانان و بیروان اصل خط‌امام از اکثریت نمایندگان مجلس، این است که با استواری به روح استقلال‌طلبانه آزادمنشانه و عدالت‌جویانه قانون اساسی باییند باقی بمانند و با تصویب لوایح بنیادین، از قانون اساسی پاسداری کنند.

برنج در سه ماه یک کالای اساسی است که در اقتصاد خانوارهای ایرانی جای ویژه‌ای دارد از اینرو طرح دولت برای کنترل خرید برنج آن نه تنها از سوی انبوه مصرف‌کنندگان بلکه از جانب اکثریت تولیدکنندگان برنج با استقبال روبرو بود چرا که تنها از طریق چنین کنترلی امکان سودجویی‌های بی‌رویه بروی تاجران عمده برنج و واسطه‌ها بسته می‌گردد و نرخ برنج تحت کنترل درمی‌آید و به سود میلیونها مصرف‌کننده و دهها هزار تولیدکننده کوچک، تولید و نیز توزیع برنج نظم اقتصادی عادلانه‌ای می‌یافت.

با اینهمه، مصوبه پارسل دولت و ستاد بسیج اقتصادی که خرید صد درصد تولید داخلی (حدود ۱ میلیون تن) و خرید بیش از چهارصد هزار تن کسری مصرف داخلی از خارج را برعهده دولت می‌گذاشت، از همان آغاز بر اثر تهاجم گسترده جریان راستگرای مخالف و جبهه مدافعان سرمایه‌داری سرنوشت ناگواری یافت. طرح، با کارشکنی‌های متعدد در محاق فرورفت و در همان سال ۶۰ حدود ۷۰ درصد تولید داخلی برنج توسط بخش خصوصی خریداری گردید و به گفته آقای حسینی فرماندار نوشهر "واسطه‌ها متأسفانه پرسودترین تجارت را داشتند".

امسال، در شرایطی که کار برداشت برنج رو به پایان است هنوز آئین‌نامه اجرایی خرید برنج که بر پایه مصوبه اخیر شورای اقتصاد نوشته می‌شود، تصویب نشده است. طرح جدید ۵۰ درصد از برنج تولیدی کشور را به بخش خصوصی واگذار می‌کند و از قبل پیداست که عقب‌نشینی دولت که بر اثر فشار مدافعان بخش خصوصی صالح و سرمایه‌داری حلال صورت گرفت چه سودهای هنگفتی به جیب "تجار محترم" و "واسطه‌های قانونی" سراربر خواهد کرد.

جریان راستگرای مخالف، برای عقب‌نشاندن مسئولان خط امامی که از طرح خرید دولتی برنج دفاع می‌کردند، شگردهای همیشگی خود را به کار گرفت. زیر پوشش دفاع از "سرمایه‌داری حلال" و "بخش خصوصی صالح" تبلیغات گسترده‌ای را سازمان داد تا اثبات کند که دولت، مدیر و تاجر خوبی نیست، با استناد به سه ناپسمانی‌های خرید و توزیع برنج که البته محصول خرابکاری‌های "تاجران عمده برنج" و "واسطه‌ها" و ایجاد آنان بود، جریان مخالف، تلاش وسیعی بعمل آورد تا اثبات کند که هرچا دولت دست می‌گذارد تنها خرابی‌های بهار می‌آید. اینهمه، برای آن است که برخلاف نص قانون اساسی، زمام امور اقتصادی کشور

در دست‌های فارتگر بخش خصوصی همچنان باقی بماند و دولت به ابزاری در خدمت آن مبدل گردد.

دفاع می‌دانند که پارسال بحضی اعلام مصوبه دولت، "تجار عمده برنج"، واسطه‌ها و عمال آنها دست بنگار شدند. برنج را با قیمت‌های کمی بالاتر از نرخ دولتی خریدند و با حمایت‌های آشکار و پنهان برخی "معاقل یا نفوذ" دز انبارها احتکار کردند. بازار سیاه درست کردند و بموقع برنج را با قیمت ۴۵۰ ریال و بیشتر بفروش رساندند.

کشمکش‌هایی که هر سر طرح خرید و فروش برنج توسط دولت در گرفت یک نمونه از درگیری خط‌هاست که ماهیت طرفین درگیر را آشکار می‌سازد. این تجربه با صراحت نشان می‌دهد که هر عقب‌نشینی نیروهای خط امام در برابر جریان راستگرای مخالف عقب‌نشینی دیگری را از مواضع مردمی و عدالت‌جویانه خط امام و از موضع قانون اساسی در پی دارد. نیروهای خط امام به جای تمکین و تسلیم به مواضع جریان راستگرای مخالف، که معنای جز فاصله گرفتن از منافع توده مردم، محرومان، مستضعفان و پاهرنه‌ها ندارد، باید از طریق بسیج مردم از طریق افشاکری و با دست زدن به اقدامات عملی و مشخص، مقاومت جریان راستگرای مخالف را درهم بشکنند. تمکین به فشارهای این جریان، خلاف مصالح انقلاب است و نتیجه آن به ناگزیر، توده مردم را از ادامه پشتیبانی از کسانی که به این فشارها تمکین می‌کنند، منصرف می‌سازد.

رئیس جمهور :

" هرگزوری با امپریالیسم امریکا مبارزه کند
دوست ما خواهد بود "

رئیس جمهور خامنه‌ای طی دیدار با سفرای کوبا و الجزایر در
جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت :
" ما در رابطه با مبارزه با امپریالیسم امریکا بارها گفتیم هر
کشوری علیه سیاست‌های امریکا بنحوی فعالیت می‌کند و به امریکا
صدمه می‌زند ، دوست ما خواهد بود "

" ما معتقدیم که این جنبه (جنبه دولت‌های ارتجاعی) قابل
دوام نخواهد بود آنها یا ارتباطشان را با امریکا تعدیل خواهند
کرد یا منقرض خواهند شد . ما برای خنثی کردن سیاست‌های غلط
آنها باید جنبه مترقی منطقه را تقویت کنیم "

(کیهان ۱۵ مهر ماه ۶۱)

هرگاه این سیاست یعنی دوستی و دشمنی با امپریالیسم ملاک
دوستی و دشمنی ما با سایر کشورها قرار گیرد بدون شک جمهوری
اسلامی، هم جنبه انقلاب جهانی را سرانجامش از آنچه تاکنون
تقویت کرده تقویت خواهد نمود و هم بر بسیاری از مشکلات
داخلی که ناشی از فشارها و توطئه‌های کشورهای امپریالیستی است
فائق خواهد آمد .

این سخنان رئیس‌جمهور سخنان چندی پیش ایشان را در مشهد
تکمیل کرد . رئیس‌جمهور در مشهد گفته بود :

" همه صف‌بندی‌ها در جامعه باید به صف‌بندی انقلاب و
ضدانقلاب تبدیل شود ، و ما هر صف‌بندی دیگری را مردود
می‌دانیم " اگر اینطور نباشد در مبارزه با اگامی بهار خواهد آمد
زیرا وقتی که به مشکلات خود می‌نگریم دست پنهان امریکا و
هم‌پیمانان و مزدورانش را به وضوح می‌بینیم "

سخنان رئیس‌جمهور در مشهد موضع‌گیری درست و اصولی
در برخورد به مسائل داخلی و سخنان ایشان در دیدار با سفرای

کوبا و الجزایر بیان یک خط صحیح در سیاست خارجی است . ما با
چنین سیاستی هرگاه بطور عملی در مسائلی داخلی و خارجی بکار
گرفته شود صد درصد موافقیم . هرگاه ملاک تشخیص دوست و

دشمن در داخل، تنها دفاع واقعی نیروها از انقلاب و مصالح مردم و با ضدیت با مصالح مردم و انقلاب قرار گیرد، بدون شک دیگر ملاک‌هایی چون "رهش و تسخیر و تظاهر به اسلام و مسلمان‌نمایی" نمی‌باشد ملاک تشخیص دوست قرار گیرد. اگر این معیار واقعا در عمل بکار گرفته شود، باید جنوی آن ضهارهای "فلسفی" که بارزگانها، سی‌صدها، کنسروی‌ها، کلاهی‌ها، مطراده‌ها یا بر صدفی‌مدار و براب و وکالت و دیگر پست‌های حساس نشاند، و هنوز هم اسحا و آنجا عناصر نفودی دشمن را بر سر کار شانده، گرفته شود. و تنها پایبندی به مصالح مردم و انقلاب و دشمنی با کلاص سرمایه‌داران و سررگرمیداران و محنکری و دیگر اذتاب امریکا ملاک تشخیص دوست از دشمن قرار گیرد در این صورت باید مواج مصنوعی که در راه اتحاد عمل همه مدافعان انقلاب وجود دارد برداشته شود و "حسبه مترقی" در داخل نیز متشکل و متحد گردد، همانگونه که مبارزه با "حسبه ارتجاعی" در منطقه می‌طلبد که "حسبه مترقی" در منطقه را تقویت کنیم. این نیاز در داخل و در سطح بین‌المللی نیز یک نیاز حیاتی است.

که تا چه میزان آن کشور "علیه سیاست‌های امریکا" فعالیت می‌کند آن وقت با هیچ استدلالی رزم‌های گوش فرمان امپریالیسم چون رزم ترکیه با پاکستان نمی‌توانند دوست انقلاب ایران قلمداد شوند این سیاست وقتی بخواهد در عمل بکار گرفته شود مفهومی این است که هرچه سریعتر باید به تطبیقات خصمانه علیه کشورهای سوسیالیستی پایان داده شود و غلاتی‌های مغرب و نفاق‌افکنانه "جریان راست‌گرای مخالف" برای تخریب روابط ایران با سوریه، لیبی، الجزایر، یمن، اتیوپی و سازمان آزادیبخش و دیگر کشورهای ضدامپریالیستی درهم شکسته شود. و هرچه سریعتر اقدامات عملی در جهت تحکیم روابط رزم‌محبوبانه براساس منافع متقابل و همکاری همه‌جانبه با کشورهای "مترقی" که با امپریالیسم امریکا در حال نبردند، صورت بگیرد.

اجرای عملی چنین سیاستی در مناسبات بین‌المللی که هنوز تا عملی شدن آن فاصله‌ای طولانی است، انقلاب ما را قادر خواهد ساخت که از رهبر فشار خردکننده کشورهای امپریالیستی که برای بزاندور آوردن انقلاب ما صورت می‌گیرد، رها شویم و با همیاری تمام کشورهای که با امپریالیسم جهانی سرگردگی امریکا مبارزه می‌کنند و در راس تمام آنها کشورهای سوسیالیستی هرچه سریعتر از ممکن‌ترین راه و براساس مصالح انقلاب به استقلال اقتصادی دست پیدا کنیم، استقلال سیاسی را تحکیم و بدون بازگشت سازمان.

اجرای عملی چنین سیاستی در داخل، انقلاب را قادر خواهد ساخت که از نیروی تمام پشتیبانان انقلاب بهره‌مند شود اگر آنچه آقای رشمس‌جمهوری در مشهد و در دیدار با سفیر کوبا گفته است عملی شود، باید همه افراد، شخصیت‌ها، سازمانها، احزاب قطع نظر از مسلک آنها، مذهب آنها، اعتقادات فلسفی آنها، تفاوت در نظرات اجتماعی آنها، یعنی همه کسانی که دشمن اصلی را امپریالیسم سرگردگی امریکا می‌دانند، و علیه امریکا و اذتابش مبارزه می‌کنند به آماج‌های اساسی انقلاب، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پایبندند و در راه تحقق آنها می‌رزمند به اتحاد با یکدیگر فراخوانده شوند.

اتحاد چنین نیروهایی در حسبه متحد خلق انقلاب را شکست‌ناپذیر خواهد ساخت و تمام توطئه‌ها و دسائس و سیاست‌های ضدانقلاب داخلی را نقش بر آب خواهد ساخت. ما با چنین سیاستی هرگاه در عمل بکار گرفته شود بدون چون‌وچرا موافقیم. تمام توان و نیروی اعضا و هواداران سازمان ما و تمام پیروان سوسیالیسم علمی در خدمت عملی شدن چنین سیاستی است.

مبارزه مشکل کارگران و پیوند مدافعان اصیل خط امام با آن،
خط کارگوستیز مدافع سرمایه‌داری را شکست می‌دهد

منصرتاره‌ای که به‌ویژه در ماه‌های اخیر، هر روز بیش از پیش در روند انقلاب ایران اهمیت بیشتری کسب می‌کند، عنصری است بنام "جنش مستقل طبقه کارگر" نگاهی به مطبوعات و سیر مهمترین رویدادهای هفته نشان می‌دهد که هفته‌ای نیست که مبارزات کارگران و مسائل کارگری حای برجسته‌ای در بافت رویدادهای هفته نداشته باشد. طبقه کارگر میهن ما با آهستگی اما با صلابت به مثابه "ستون انقلاب" حای واقعی خود را باز می‌یابد و نشان می‌دهد که تا چه میزان به منافع خود که منافع انقلاب و همه زحمتکشان است آگاه است. رشد و بلوغ سیاسی و آگاهی طبقاتی و همچنین رشد سطح تشکل سازمان‌یافتگی طبقه کارگر ایران در سالهای پس از انقلاب و به‌ویژه افزایش شتاب آن در ماه‌های اخیر، یکی از عمیقترین روندهایی است که در بطن انقلاب ما برجستگی می‌یابد. نیروهای سیاسی مردمی و مدافعان راستین انقلاب و در راس همه، بهروان صدیق خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی نیز روز به روز با نیرومندی و استواری بیشتری با مبارزه توده کارگران گره می‌خورند و شناخت روشن‌تری از مواضع دشمنان راستین و دوستان دروغین "مستضعفین" بطور اعم و طبقه کارگر بطور منحصی بدست می‌آورند.

اکنون تقریباً کمتر هفته‌ای است که در طول آن نمونه‌ای از روند گسترش و زرفش مبارزه توده کارگران و تحکیم پیوند مدافعان اصیل انقلاب با این مبارزه در سطح مطبوعات و سایر رسانه‌ها بازتاب نیابد. تمام شواهد نشان می‌دهد که از یکسو جنبش تودهای طبقه کارگر نیرومندتر می‌شود و از سوی دیگر در طیف نیروهای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران "خطی" که از این جنبش نمی‌هراسد، خطی که نیرومندی این جنبش را نیرومندی

خود می‌سند و می‌کوشد از منافع آن پاسداری کند ، بیش از پیش
در برابر " حقی " قرار می‌گیرد که از سارره و آگاهی و تشکل
طبقه کارگر می‌هراسد . با آن می‌سنزد و می‌کوشد آن را درهم
شکند . گاهی به رویدادهای هفته‌های اخیر اس داوری را بطور
کامل نائید می‌کند اکنون با قطعیت می‌توان گفت که از یک سو
استادگی خانانه توده کارگران در مقابل فرمان آقای توکلی منی
بر تعطیل و انحلال سازمان‌های کارگری موجود (شوراهای و سندیکاها)
پیروزی‌های چشمگیر و کاملاً قابل ملاحظه‌ای بدست آورده است که
بخشی از آن در قطعنامه‌های کنگره شوراهای کارگری در منطقه
تهران و سمینار انجمن‌های اسلامی کارخانجات متجلی است . و
از سوی دیگر این استادگی و مبارزه توده کارگران در سطح نهادها
و ارگانهای جمهوری اسلامی انعکاس یافته است که یک نمونه مشخص
آن مذاکرات هفته گذشته مجلس شورای اسلامی درباره لایحه
پیشنهادی آقای توکلی به مجلس درباره چیزی تحت عنوان
" شوراهای اسلامی کارکنان " است .

می‌دانیم که آقای توکلی وزیر کار چند ماه پیش لایحه‌ای ۱۲
ماده‌ای را به عنوان " قانون شوراهای اسلامی کارکنان " با
پیشنهاد قید یک فوریت به مجلس برده بود . مجلس فوریت لایحه
را رد کرد و آن را به کمیسیون کار و امور اجتماعی فرستاد . کمیسیون
مزبور نیز لایحه پیشنهادی آقای توکلی را رد کرد و طرحی را که به
استکار ۱۵ نماینده مجلس تهیه شده بود در دستور کار خود قرار
داد . فشار عناصر دست راستی و طرفداران خط کارگرسوز در
مجلس و خارج از مجلس موجب شد قبل از اینکه طرح مصوب ۱۵
نماینده در دستور کار مجلس قرار گیرد لایحه پیشنهادی آقای
توکلی به مجلس آورده شود و روی نظر کمیسیون رای گیری شود .
اما این اعمال فشار نه تنها توفیقی برای آقای توکلی و خط
کارگرسوز وی بار نیاورد . و لایحه ایشان با قاطعیت از جانب
اکثریت مجلس شورای اسلامی رد شد ، بلکه طرح مجدد نظرات
و مواضع آقای توکلی در مجلس شورای اسلامی و مخالفت طرفداران
خط مردمی امام در مجلس با لایحه مزبور " ماهیت استکباری "
خط حاکم بر وزارت کار را باز هم بیشتر افشا کرد و آگاهی توده
کارگران از اهداف آقای توکلی را ، که همان اهداف لیبرالها و
همه سرمایه‌داران بخش خصوصی است ، باز هم بیشتر ارتقا داد .
هنگام بحث پیرامون لایحه توکلی در مجلس مخالفین ، لایحه
بدرستی تاکید کردند که :

" ما نمی‌توانیم چیزی را ارائه کنیم که اسمش شورا باشد اما در
حقیقت شورا نباشد " این نشانه شناخت درست نیروهای خط
مردمی امام از مسائل است که در مخالفت با لایحه توکلی
می‌گویند :

" این لایحه اصلاً شورا نیست آمدن آن در آن زمان و
مهبسار همه شوراهای را بدست کارفرمایان
بخش خصوصی و مدیران و کارمندان وزارت
کار سپردن " ... " اصلاً وزارت کار چکاره است که بخواید
شوراهای را بررسی کند ؟ "
در برابر این مواضع صحیح و مردمی ، آقای وزیر کار در دفاع از
لایحه‌اش اعلام داشت :

" الزام دخالت کارگر در مدیریت ، به کارگاه کمکش کرده ، بلکه
موجب اختلاف هم شده است . بر این اساس ما سعی کرده‌ایم
لایحه‌های بنویسیم که شوراهای واقعا شان اسلامی خود را پیدا کند
لحظه‌ای مکت روی این حرفهای وزیر کار دولت جمهوری اسلامی
ایران دو حقیقت بسیار مهم را یک بار دیگر آشکار می‌سازد :
اول اینکه آقای توکلی مخالف نظرات صحیح و اصولی
نمایندگان اصیل و شناخته شده خط امام ، از جمله آیت الله شهید
دکتر بهشتی و حجت الاسلام رفسنجانی حرف می‌زند و عمل می‌کند
شهید بهشتی صراحتاً می‌گوید :

" بنده و بعضی از دوستان در صحنی قرار داشتیم که معتقد
به دخالت کارکنان یک واحد در اداره آن واحد بوده‌ایم .
و با حجت الاسلام رفسنجانی که می‌گوید :

" از دخالت مردم نباید ترسید ، من تصور می‌کنم اصلاً دوا
اساسی درد این مملکت همین شوراهاست
دوم اینکه سبب آقای توکلی نیز همانند سایر نمایندگان شناخته
شده جریان مخالف راستگرا می‌خواهد بر قامت تمام موضع گیری‌های

تقدم مردمی و راستگرایانه خود قبال شرمی و اسلامی بدوزد که ماهیت ضدکارگری و ضدانقلابی این نوع موضع گیری دیرترو یا کمتر بر ملا شود. در اینجا بار دیگر روشن می شود منظور توکلی ها و شرکا از "شان اسلامی" واقعا چیست؟ و چگونه اسلام نمایی و اسلام پناهی در جمهوری اسلامی ایران یکی از رایج ترین و سودمندترین حربهای مدافعان راه سرمایه داری است و به وفور و در همه جا به خدمت گرفته می شود.

بهر حال مجلس به همت مدافعان صدیق خط امام یک بار دیگر به آقای توکلی "نه" گفت و این "نه گفتن" شور و شادی چشمگیری را در محیط های کارگری برانگیخت و پیوند اکثریت مجلس با نوده کارگران آگاه را تقویت کرد و تحکیم بخشید. "اسلام آقای توکلی" بار دیگر در برابر اسلام دکتر بهشتی ها و اکثریت مجلس قرار گرفت و با شکستی مفتحصانه مواجه شد. با این همه این هرگز به آن معنا نیست که خط کارگرسبز و طرفدار سرمایه داران با این شکست از مخالفت حصانه با کارگران دست برمی دارد. خبرهای هفته گذشته حاکی از آن بود که آقای توکلی یک قانون کار نوشته در مقامات مسئول و از آن جمله ریاست جمهور عرضه کرده است. قانون کاری که چنانچه از اظهارات معاون وزارت کار در برنامه رادیویی کارگران مستفاد می شود ابتدایی ترین حقوق کارگران را نیز نادیده گرفته است. کارگران نیز بیگار ننشسته اند آنها در این زمینه هم تنها حرکت آگاهانه و اصولی خود با تنظیم نامه و طومار، با مراجعه به مقامات مسئول با تشکیل جلسات بحث و مشاوره در کانون های کارگری در تلاشند که قانون کار جدید به گونه ای نوشته شود که واقعا در

شان انقلاب باشد. کارگران در این عرصه بطور مشخص خواهان آنند که نظرات شهید دکتر بهشتی در تنظیم این قانون ملاک و سنا قرار گیرد.

در زمینه تعاونی ها نیز مبارزه میان خط دفاع از سرمایه داری در وزارت بازرگانی با مبارزه متشکل و نیرومند کارگران مواجه است نامه ها و طومارهای کارگران در اعتراض به تصمیم وزارت بازرگانی مبنی بر "تلفو تحویل کالا از وزارتخانه و واحدهای تولیدی به اتحادیه های تعاونی و تلاش در احاله آنها به بخش خصوصی و بهروزی هایی که در این زمینه نصیب کارگران شد عرصه دیگری از مبارزه متشکل و آگاهانه طبقه کارگر از روبرویی با خط طرفدار سرمایه داری را آشکار می سازد.

وظیفه انقلابی ماست که خبرهای مبارزه نوده طبقه کارگر و دستاوردهای بزرگ این مبارزه را وسیعاً منتشر کنیم. وظیفه ماست که در ستیز مواضع نیروهای مردمی خط امام با جریان مخالف راستگرای کارگرسبز مدافع سرمایه داری، در همه جا از مواضع صحیح خط امام بهشتیانی و ماهیت ضدکارگری جریان مخالف را به همگان توضیح دهیم. امروز که جنبش مستقل کارگری شکل می گیرد، گسترش می یابد و رو به زرفش دارد، وظیفه مردم ماست که با دقت و هشاری تمام رویدادهای جنبش کارگری و مسائل مبتلابه زحمتکشان را دنبال کنیم تا بهتر و با توان بیشتر بتوانیم جبهه ها را مردم بختناپذیریم، نوده مردم را از ماهیت و اهداف خط ضدامپریالیستی و مردمی امسسام خمینسی و مخالفان راستگرای آن بیگانه کنیم.

میل هم از محرومان قربانی می‌گیرد

در هفتای که گذشت بار دیگر برخی از شهرهای شمالی کشور و شهر تهران طعمه سیلاب شد و در مناطق جنوبی شهر تهران به مرگ حداقل ۵ نفر و ایراد خسارات جدی به نوده وسیعی از کودکانهای جنوب شهر و زائدهای محرومین منجر گردید. این میل بار دیگر نشان داد که درست مثل زلزله و سایر فجایع طبیعی آنان که بی‌خانمان می‌شوند و قربانی می‌دهند اقشار و طبقات محروم جامعه هستند که بیش از همه کار می‌کنند و کمتر از همگان نصیب می‌برند. میل اخیر در تهران این حقیقت تلخ را برملا ساخت که متأسفانه پس از انقلاب نیز تا امروز برای رفع بی‌توجهی‌های وحشتناکی که در زمان طاغوت نسبت به ایمن‌سازی مناطق جنوبی

شهر در مقابل سیل روا شده بود هنوز هیچ اقدام موثر و جدی صورت نگرفته است . عملیات کانال‌کشی و انحراف سیل و تاسیسات سیل‌بند از زمره اقداماتی بنیگانه است که شهرداری می‌توانست انجام دهد ، اما اقدام موثری در این زمینه صورت نگرفته است .
صاحبه با مردم سیل‌زده جنوب‌شهر و پخش آن از سیلای جمهوری اسلامی نشان داد که نسبت به تامین‌خانه و زندگی کودکان و ساکنین زانهای جنوب در مقابل سیل بی‌توجهی‌های لطف‌انگیزی وجود دارد و هیچ معلوم نیست که اگر بار دیگر بارندگی‌های روزهای اخیر تکرار شود چه بر سر این مردم خواهد آمد .

اعضای و هواداران سازمان ضمن ابراز همدردی با هم‌میهنان سیل‌زده برعهده‌منفرد می‌دانند که چه از طریق مراجعه به نهادهای مسئول و چه از طریق دوستان و آشنایان خود هرگونه کمکی را که هم‌شهریان تهرانی و شهرستانی آنان نیاز دارند در اختیار نهادها و یا خانواده‌های آنان قرار دهند .

توطئه‌های تفرقه‌افکنانه امپریالیسم در لبنان

در لبنان، امپریالیسم، صهیونیسم و ستون پنجم آنها همچنان در کار ادامه تجاوز، افزایش فشار بر توده‌های لبنانی و فلسطینی و گسترش تهاجم علیه حزب‌ها و سازمانهای میهن‌پرست انقلابی هستند. رژیم صهیونیست نیروهای خود را که با کمک آمریکا شتابان تجهیز می‌شوند در شمال و خاور بیروت متمرکز کرده و در جبهه بقاع همه چیز را برای یک تهاجم جدید فراهم کرده است. نیروهای اشغالگر با همدستی ستون پنجم خود در بیروت و دیگر نواحی اشغال‌شده لبنان به خیابان‌ها و خانه‌ها هجوم می‌آورند و به کشتار و بازداشت فلسطینیان و نیروهای مردمی لبنان می‌پردازند همزمان با تشکیل کابینه تازه لبنان، ارتش این کشور در تکمیل تلاش‌های نیروهای اشغالگر و دار و دسته‌های فلاتزیست و راهزن، کوشش‌های گسترده‌ای را برای شناسایی و بازداشت فلسطینیان و نیروهای میهن‌پرست و انقلابی لبنان آغاز کرده است. تلاش‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی لبنان سرگردگی آمریکا بر این است که به هر نیرنگ، لبنان به پایگاه جدید امپریالیسم و به حربه جدید آن علیه میل عرب و مجموع جنبش انقلابی منطقه تبدیل شود. توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم در لبنان در چارچوب یک نقشه عمومی علیه مجموع جنبش انقلابی در خاور نزدیک و میانه است که جنبش مردم فلسطین و انقلاب ایران دو کانون عمده آن هستند. مردم لبنان و حزب‌ها و سازمانهای میهن‌پرست و انقلابی این کشور، اکنون در شرایط دشوار با امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی سرگردگی آمریکا می‌رززند. مردم لبنان در نبرد برای پایان دادن به تجاوز آمریکایی

صهیونیستی علیه کشورشان و دست‌یابی به استقلال واقعی، قبل از هر چیز نیازمند غلبه بر تفرقه داخلی و بهره‌مندی از حمایت فعال و متحدانه جنبه جهانی ضدامپریالیستی، به‌ویژه جنبه نیروهای ضدامپریالیستی منطقه هستند. پایان دادن به پراکندگی در صفوف مردم لبنان و یکپارچه کردن آنها که شرط مقدم حفظ و تحکیم استقلال لبنان و پیروزی مبارزه مردم در این کشور است، بدون همکاری آگاهانه، واقع‌بینانه و انقلابی کشورها و نیروهای ضدامپریالیست منطقه به‌ویژه آنهایی که در اوضاع لبنان موثرترند با دشواری روبرو می‌شود. شناخت این امر نقشی حادی در تعیین یک‌سیاست درست دولت برای حمایت جنبش‌های پیش‌انقلابی لبنان دارد. اینکه امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی لبنان را به عنوان یک حلقه ضعیف آماج توطئه‌های مشترک خود قرار دادند به علت کوچکی سرزمین یا کمی جمعیت آن نیست، بلکه تفرقه‌ای که امپریالیست‌ها از دیرباز در لبنان دامن زده‌اند به تحاورگران امپریالیستی - صهیونیستی امکان فکرکردن به اینگونه نقشه‌ها را داده است. در لبنان از قدیم پیروان ادیان و مذاهب مختلفی زندگی می‌کردند و تدریجاً این تنوع ادیان و مذاهب بیشتر شد. هم‌اکنون در این کشور کوچک، مسلمانان سنی، مسلمانان شیعه، مسیحیان مارونی، ارتدکس رومی، رمن‌کاتولیک‌ها، دروزیان، ارمنیان گریگوری، ارمنیان کاتولیک، پروتستانی‌ها و حتی یعقوبیان و سریانیان و غیره زندگی می‌کنند. در این میان مسلمانان سنی و شیعه و مسیحیان مارونی قطب‌های عمده مذهبی هستند که ایجاد شکاف و کشاکش میان آنها حلقه عمده تفرقه‌آمیزی امپریالیست‌ها در لبنان واقع شده است. استعمار و نواستعمار با نقشه‌های حساب‌شده لبنان را به یک آزمایشگاه کامل برای اجرای سیاست "تفرقه بیافکن و حکومت کن" بدل کرده است.

از دوران سلطه استعمار کهن بر لبنان، استعمارگران کوشیدند مسیحیت را واسطه نزدیکی بیشتر خود به اشراف و چهاولگران مارونی قرار دهند و اینان را به عنوان پاسداران مستقیم منافع خود در برابر دیگران تقویت کنند. البته این سیاست استعمارگران به منافع اشراف، زمینداران، سرمایه‌داران و صاحب‌امتیازان دیگر فرقه‌ها لطمه چندانی نمی‌زد. این مردم محروم لبنان، اعم از سنی و شیعه و مسیحی و غیره بودند که طعم تلخ این توطئه استعمارگران را می‌چشیدند و می‌چشند. مطابق منظور ملی لبنان که پس از استقلال این کشور در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۴۳ تنظیم شد و سران مسیحی و مسلمان، آن را تأیید کرده‌اند گفته می‌شود که بنیت‌های دولتی عادلانه میان فرقه‌های دینی تقسیم می‌شود. مطابق این تقسیم عادلانه، قرار شد که همواره رئیس‌جمهور مسیحی نخست‌وزیر مسلمان سنی و رئیس مجلس مسلمان شیعه باشد. همچنین برای گزینش نمایندگان پارلمان در برابر پنج نماینده مسلمان ۶ نماینده مسیحی انتخاب می‌شود. قدرت بیخ‌افکن از انداره رئیس‌جمهور و اختصاص این پست به "مسیحیان" نمونه بارزی از تبعیض، براساس اعتقادات مذهبی است که زبان آن دانشگر توده‌های لبنانی، اعم از مسیحی و مسلمان شده است.

اینگونه تفرقه‌افکنی در صفوف مردم و ایجاد تبعیض میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف وسیله‌ای در خدمت سلطه امپریالیسم بر مجموع لبنان و در غیراینصورت وسیله‌ای برای پاره‌پاره کردن آن بسوی امپریالیسم و ارتجاع بوده است.

بهره‌گیری امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی از "سنت‌ها" و "قوانین" و از تفرقه نیروها در لبنان برای روی‌کارآوردن حزب ضد‌مردمی و مزدور کتاب، منافع آنان را در تشدید تفرقه و دست‌بندی میان مردم لبنان بخوبی نشان می‌دهد در حالیکه مردم لبنان کنار هم‌زمان فلسطینی خود و در دفاع از آنان، ایثارگرانه و قهرمانانه رزمیدند، و هزاران کشته و زخمی دادند، آمریکا و رژیم صهیونیستی مدعی آنند که این مردم بشیرجمیل و پس از وی امین جمیل سرکردگان حزب کتاب، دشمن خونخوار خود را به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب کردند. اما تلاش امپریالیسم و صهیونیسم برای تحمیل "حزب کتاب" و حکومت فاشیستی و انتخابات و قوانین ارتجاعی به مردم لبنان به‌ویژه در شرایط کتونی پاسخی جز تشدید نبرد مشترک مردم علیه امپریالیسم و متحدین و مزدوران آنها نخواهند یافت. در لبنان نیز مثل هر جای دیگر، کوخ‌نشینان و رحمتگان

در هر خانواده‌ای که زاده شده باشند ، در برابر کاخ نشینان و بهره‌کشان منافع کاملاً مشترکی دارند. در مقابل آنان سرمایه‌داران و زمینداران و همه دوستان و متحدان امپریالیسم و صهیونیسم قرار دارند که دست در دست هم استقلال و آزادی آنان را لگدکوب می‌کنند. دشمنان مردم لبنان ، اهم از اینکه خود را مسلمان یا مسیحی بنامند ، هرگز در پی "دفاع از منافع مسلمانان" یا "دفاع از منافع مسیحیان" نیستند. آنها فقط در پی کسب سود و ثروت بیشتر از طریق تحمیق و سرکوب و چپاول و استثمار بیشتر مردم هستند. تلاش برای این دستمبندی‌های فرقه‌ای و مذهبی میان مردم و تظاهر به دفاع از منافع بیروان این با آن فرقه و مذهب از سوی سرمایه‌داران و زمینداران و متحدان امپریالیسم ، نیرنگ کهنه‌ای است برای حفظ منافع و سلطه خودشان .

در جریان تحاوزهای چندساله امریکایی - صهیونیستی علیه کشورهای عربی و علیه لبنان ، مردم این کشور بیش از پیش به این واقعیت پی برده‌اند ، "جبهه صهیونی پخشرو" که در سال ۱۹۶۵ با شرکت حزب سوسیالیست پخشرو ، حزب کمونیست ، جنبش ناسیونالیست‌های عرب و دیگر نیروهای میهن‌پرست و انقلابی اعم از سنی ، شیعه و مسیحی تشکیل شد ، در جریان تجاوزات ۶۷ اسرائیل علیه اعراب و تهاجمات تروریستی ، صهیونیستی علیه لبنان در سال ۶۸ استحکام و نفوذ فزاینده‌ای یافت . در برابر این جبهه مردمی و انقلابی که برای اتحاد لبنان با کشورهای مترقی عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم و برای برافکندن حاکمیت طرفداران امپریالیسم و سرمایه‌داری مبارزه را گسترش می‌داد ، و می‌کوشید همه مردم لبنان را با هر عقیده و مذهبی متحد کند ، نیروهای ارتجاعی نیز برای حفظ منافع خود و اربابانشان "پیمان‌ثلاثه" را میان سرکردگان ارتجاع یعنی پیراحمد (رهبر حزب کتائب) کامیل شمعون ، وریمون‌آده منعقد کردند . این جبهه ارتجاعی خواستار جداکردن لبنان از جهان عرب ، تبدیل آن به "سوئیس آسیا" و به "بهشت سرمایه‌داران و پایگاه انحصارات امپریالیستی بود. " حزب کتائب " که عضو عمده این اتحاد ارتجاعی بود ، برای تقویت جبهه طرفداران سرمایه‌داری و متحدان امپریالیسم خود را "مدافع منافع مسیحیان" قلمداد می‌کرد (و می‌کند) !

خیانت آشکار و جنایات ددمنشانه دارودسته‌های کتائب و سعدحداد و امل و سازش و خیانت عناصری از رهبری برخی جریان‌هایی فرقه‌ای و ناسیونالیست ، بسیاری از حقایق را برای مردم لبنان روشن کرده است . نیروهای میهن‌پرست و انقلابی می‌کوشند تا از تجربیاتی که توده‌های مردم در جریان پیکارهای اخیر علیه تحاوزگران اندوختن‌اند برای سازماندهی مقاومت گسترده مردمی در برابر تحاوزگران و ستون پنجم آنها بهره‌مند شوند . نیروهای میهن‌پرست و انقلابی که در راه متحدکردن مردم در جبهه‌ای هرچه گسترده‌تر علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع داخلی مبارزه می‌کنند ، طبیعتاً از همه کشورها و نیروهای ضد امپریالیست منطقه انتظار دارند که آنها را چه در مبارزه علیه تفرقه نیروها در داخل و چه در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم فعالانه یاری برسانند .

تلاش‌های مسئولان اتحاد شوروی و ویتنام برای عادی‌سازی مناسبات با جمهوری خلق چین

در هفته‌ای که گذشت رویسدا، در جهان سوسیالیسم برجسته بود: سفر لئونید ایلچیف معاون وزیر خارجه اتحاد شوروی به پکن و دیدار یک هیات بلندپایه ویتنامی برایست چهرنگ‌تین عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام از اتحاد جماهیر شوروی.

سفر ایلچیف به پکن و دیدار چهرنگ‌تین از اتحاد شوروی را قبل از همه باید در زمره گوشه‌های مسئولان‌های دانست که اتحاد شوروی در جهت عادی‌سازی مناسبات کشورهای سوسیالیستی با جمهوری خلق چین به عمل می‌آورد. جمهوری سوسیالیستی ویتنام نیز سهم قابل ملاحظه‌ای در این گوشه‌ها برعهده داشته و دارد.

از زمان فلبه انحراف مائوئیستی بر حزب کمونیست چین در آستانه دهه ۶۰ تا امروز اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی همراه با اکثریت قریب به اتفاق احزاب کارگری و کمونیستی جهان مبارزه پیگیرانه‌ای را برای حفظ همبستگی کشورهای سوسیالیستی و بهمفشرذگی جنبه ضدامپریالیستی جهانی دنبال کرده‌اند. تلاش به منظور گسترش مانی دوستی با جمهوری خلق چین و کمک بی‌شائبه به ساختمان سوسیالیستی در آن کشور، احترام به حق حاکمیت و تمامیت ارضی چین و دفاع خدشه‌ناپذیر از آن کشور در برابر توطئه‌ها و ادعاهای امپریالیسم، اساس سیاست حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی در رابطه با چین بوده و هست. اتحاد شوروی در مناسبات با چین از خط مشی‌ای پیروی می‌کند که در کنگره‌های ۲۲ و ۲۵ و ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی تعیین شده است. پیشنهادات مصوب این کنگره‌ها عبارتند از: انعقاد قرارداد عدم توسل به نیروی قهریه و عدم تعرض، انتشار اعلامیه مشترکی درباره اصول مناسبات دو کشور، و با هر راه دیگری که به اقدامات مشخص برای بهبود مناسبات دو کشور منجر گردد.

لئونید برژنف رهبر شوروی سال گذشته بار دیگر تأکید کرد:

هیچ خطری از طرف اتحاد شوروی، جمهوری خلق چین را تهدید نمی‌کند شوروی نسبت به چین ادعای ارضی ندارد... اتحاد شوروی هرگز از ترس دو چین حمایت نکرده و نخواهد کرد و حاکمیت چین و بر جزیره تاپوان کاملاً برسمیت شناخته و می‌شناسیم

رهبر شوروی در سخنرانی اخیر خود در باکو ابتکار جدیدی در زمینه بهبود مناسبات با جمهوری خلق چین عرضه داشت برزنف تأکید کرد:

"اتحاد شوروی عادی‌کردن و سالم‌سازی تدریجی مناسبات اقتصادی شوروی و جمهوری خلق چین برپایه عقل سلیم و محترم شمردن منافع یکدیگر و تأمین سود طرفین را امری بسیار مهم تلقی می‌کند. عادی‌شدن مناسبات شوروی و چین با در نظر گرفتن مناسبات دوستی و همکاری که اتحاد شوروی با عده‌ای از کشورهای آسیا دارد، سهم مهم و وزینی از تحکیم صلح و ثبات در آسیا، بلکه در سراسر جهان خواهد داشت"

در اینجا برزنف به "مناسبات دوستی و همکاری با ویتنام کامبوج و لائوس اشاره می‌کند. این کشورها نیز همان اتحاد شوروی برای تحکیم صلح و ثبات در آسیا و جهان مجدداً تلاش می‌کنند آنها نیز خواهان آن بوده‌اند که مناسبات با جمهوری خلق چین براساس احترام متقابل به حق حاکمیت یکدیگر، حسن‌همجواری، عدم مداخله در امور داخلی و مناسبات دوستانه و همکاری‌های سودمند گسترش یابد. این امر بار دیگر در اعلامیه مشترکی که در پایان دیدار هیات ویتنامی از اتحاد شوروی انتشار یافت تصریح گردیده است در این اعلامیه آمده است:

"ویتنام و اتحاد شوروی در مورد این مسأله وحدت نظر دارند آنها طرفدار برقراری مناسبات عادی و حسن‌همجواری با چین و طرفدار دوستی با خلق چین هستند اعلامیه تأکید می‌کند:

"اتحاد شوروی از پیشنهاد ویتنام، لائوس و کامبوج درباره انعقاد قرارداد دو جانبه یا چند جانبه درباره همزیستی مسالمت‌آمیز این کشورها با چین کاملاً پشتیبانی می‌کند"

اما متأسفانه این سیاست هنوز از جانب رهبران چین دنبال نمی‌شود رهبران چین هنوز مواضع خصمانه و نادرستی علیه کشورهای همگانه آسیای جنوب شرقی و همچنین نسبت به افغانستان دارند. آنها در این زمینه هنوز از سیاست شوروی می‌کنند که امریالیم آمریکا حامی آن است. سیاستی که هنوز در فکر آن است که اوضاع را در کشورهای فوق دگرگون سازد. همان سیاستی که اعلامیه اخیر اتحاد شوروی و ویتنام در رد آن با اطمینان می‌گویند:

"ما خوب می‌دانیم که هیچ عاملی ممکن نیست اراده ملت‌های ویتنام، لائوس و کامبوج را در ساختن زندگی نوین متزلزل کند رفقای ما نیز خوب می‌دانند که تلاش در راه تخریب مناسبات

چین با سایر کشورهای سوسیالیستی و به دشمنی‌کشاندن این کشور با همه کشورهای‌های نواستقلال و جنبش‌های رهاشمیش یکی از سنگپایه‌های سیاست خارجی امریالیم آمریکا در ۲۵

ساله اخیر بوده و هست. امروز نیز امریالیم آمریکا و متحدان اروپایی و ژاپنی آن با تمام نیرو سعی دارند مانع از آن شوند که کشور یک میلیاردی چین که دارای زیربنای سوسیالیستی است در

جهت بهبود مناسبات با اتحاد شوروی، ویتنام، کامبوج، افغانستان و سایر کشورهای ترقیخواه گام بردارد. بوضوح آشکار است که تعادل اخیر چین به از سرگیری مذاکرات پیرامون برخی

از مسائل مورد اختلاف با اتحاد شوروی و متعاقب آن دیدار معاون وزارت خارجه اتحاد شوروی از چین که با مساعدله تیم‌های ورزشی و هنری نیز همراه بوده است، و همچنین اظهارات اخیر

رهبر شوروی و رهبران ویتنام و تأکید مجدد آنها در زمینه ضرورت عادی‌ساختن مناسبات با چین، از سوی محافل امریالیستی به منظور کارشکنی در آن با دقت و حساسیت فراوان دنبال می‌شود

برای امریالیسم اهمیت بسیار اساسی دارد که مناسبات جمهوری خلق چین و اتحاد شوروی تیره بماند و چین همچنان در سیاست خارجی با ارتجاعی‌ترین محافل امریالیستی همسویی نشان دهد

زیرا این حقیقت آشکاری است که هر تحول مثبت در مناسبات چین و اتحاد شوروی، چین و ویتنام، و بطور کلی چین و همه کشورها

و جنبش‌های انقلابی و ترقیخواه ، هرچقدر هم که کوچک باشد
برای امپریالیسم بگ شکست بزرگ در تضعیف جهان سوسیالیسم
و در و غنیمت ساختن اوضاع جهان و دامن زدن به تشنج بین‌المللی
است .

از این نظر وظیفه همه رفقا است که با دقت و حساسیت مسائل
مربوط به مناسبات چین با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای
سوسیالیستی را دنبال کنند . مواضع و اقدامات امپریالیسم آمریکا
اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را در این عرصه
بشناسند . اهمیت و ناشیری که هر تغییری در سیاست چین
(قطع نظر از ابعاد آن) در اوضاع بین‌المللی برجای می‌گذارد بخود
توضیح‌دهنده اهمیت است که شناخت این تغییرات و تحلیل
درست و بی‌خداشه آن داراست .